کیهان

پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴ □ ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ □ ۶ نوامبر ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۹۹۸

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۱/۴۸، اذان مغرب: ۱۷/۲۳، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۵، اذان صبح(فردا): ۵/۰۷، طلوع آفتاب(فردا): ۶/۳۲

لیست شبکه‌های اجتماعی محدود شده در استرالیا طولانی‌تر شد

استرالیا، ۲ شبکه اجتماعی دیگر را نیز به فهرست بی‌سابقه ممنوعیت‌های رسانه‌های اجتماعی برای کودکان زیر ۱۶ سال اضافه کرد.

کمیسر ایمنی آنلاین استرالیا اعلام کرد که ممنوعیت آتی رسانه‌های اجتماعی برای کودکان زیر ۱۶ سال، افزون بر هفت شبکه شناخته‌شده دیگر، شامل «انجمن آنلاین ردیت» و پلتفرم «پخش زنده کیک» نیز خواهد بود. آن‌طور که «شفقنا» به نقل از «الجزیره» نوشته است، «آنیکا ولز»، وزیر ارتباطات این کشور، پیش‌تر گفته بود: «این ممنوعیت رسانه‌های اجتماعی برای کودکان از ۱۰ دسامبر [۱۹ آذر] اجرائی می‌شود و دسترسی به فیس‌بوک، اینستاگرام، اسنپ‌چت، تردز، تیک‌تاک، ایکس و یوتیوب نیز محدود خواهد شد.. پلتفرم‌های آنلاین از فناوری برای هدف قرار دادن کودکان استفاده می‌کنند. ما صرفاً از آنها می‌خواهیم که از همان فناوری برای ایمن نگه داشتن کودکان در فضای آنلاین استفاده کنند.» رسانه‌های اجتماعی از زمان تصویب قانون بی‌سابقه ایمنی آنلاین استرالیا در سال گذشته، ۱۲ ماه فرصت داشته‌اند تا برای این ممنوعیت آماده شوند.

پرواز فشرده جنگنده‌های آمریکایی در آسمان عراق!

منبع امنیتی عراقی گزارش داده‌است که هواپیماهای جنگی آمریکایی عملیات شناسایی هوائی خود را در صحرای غربی الانبار به سمت مناطق نوار مرزی با سوریه گسترش داده‌اند!

یک منبع امنیتی در استان الانبار به خبرگزاری «المعلومه» گفت: «هواپیماهای آمریکایی به صورت متراکم بر فراز مناطق صحرایی ناحیه البغدادی و شهرستان‌هایی در غرب الانبار پرواز کردند، بدون آن‌که دلایل این پروازها که همزمان با تشدید اقدامات امنیتی در پایگاه‌های عین‌الاسد والتنف سوریه بود، مشخص باشد. نیروهای امنیتی و حشدالشعبی پس از این عملیات‌های شناسایی آمریکا، تدابیر امنیتی شدیدی را در تمامی مواضع خود اتخاذ کرده‌اند. عملیات‌های شناسایی شامل مناطقی نیز شده که پیش از این هدف عملیات پروازی قرار نگرفته بودند.» خبر دیگر آن‌که رئیس شورای اجرائی نُجَباء عراق گفته: «نُجَباء پشتیبان جوانانی است که کارزار تحریم کالاهای ترکیه‌ای را به راه انداخته‌اند. از دولت می‌خواهیم در دفاع از حاکمیت و حقوق مردم همراهی کند. چنان‌چه اقدامات روشنی برای حفاظت از منابع آبی عراق صورت نگیرد، عشایر وارد عمل خواهند شد.»

پیروزی زُهران ممدانی اولین «نه انتخاباتی» به ترامپ

سرویس خارجی-

مردم نیویورک با انتخاب زهران ممدانی به عنوان شهردار نیویورک اولین «نه» انتخاباتی به ترامپ را در دوران دوم ریاست‌جمهوری وی رقم زدند. این پیروزی بخشی از جامعه دوقطبی‌شده آمریکا را خشمگین و بخشی دیگر را ذوق‌زده کرده است.

«زُهران مَمدانی» ۳۴ساله در رقابتی- به گفته رسانه‌های آمریکایی- تاریخی و نفس‌گیر، با کسب ۵۶درصد آرا، پیروز انتخابات شهرداری نیویورک معرفی شد؛ او نخستین مسلمان و نماینده نسل مهاجران جنوب آسیا و نیز جوان‌ترین شهردار این شهر در بیش از یک قرن گذشته است که سکان بزرگ‌ترین شهر و قلب مالی آمریکا را به دست می‌گیرد. ممدانی خود را «سوسیالیست دموکرات» می‌نامد، یعنی سیاستمداری که هدفش دفاع از کارگران در برابر شرکت‌های بزرگ است. با این وجود پیروزی او علاوه‌بر جمهوری‌خواهان، دردسر تازه‌ای برای دموکرات‌ها محسوب می‌شود چرا که رسانه‌های جمهوری‌خواه و خود ترامپ بارها وی را متهم کرده‌اند که کمونیست و سوسیالیست است. ترامپ پیش از انتخابات روز سه‌شنبه بارها ممدانی و دموکرات‌ها را کمونیست خطاب کرده و تهدید کرده بود در صورت پیروزی وی بودجه فدرال نیویورک را قطع خواهد کرد. ترامپ در نخستین واکنش خود به این پیروزی نیز در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال نوشت: «نبودن نام ترامپ روی برگه رأی و تعطیلی دولت، دلیل شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات نیویورک بود». پیروزی ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک به‌رغم تمامی تلاش‌های ترامپ و حزب جمهوری‌خواه، نخستین «نه» بزرگ انتخاباتی به ترامپ و جمهوری‌خواهان و صهیونیست‌های افراطی دانست. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که موفقیت ممدانی می‌تواند الگویی برای انتخابات ۲۰۲۶ و تغییر موازنه قدرت در دیگر شهرهای بزرگ آمریکا باشد. شرایطی که «یدیعوت آحارونوت» آن را با جمله «زنگ خطر به صدا درآمده است» توصیف کرد.

ممدانی کیست؟

زُهران ممدانی در سال ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی) در شهر کامپالا، پایتخت کشور اوگاندا، به دنیا آمد. خانواده او پس از مدتی به آمریکا مهاجرت کرد و در نیویورک ساکن شد. پدرش محمود ممدانی، از اساتید علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در دانشگاه کلمبیاست و مادرش «میرا نایر» فیلم‌ساز است. به گزارش مهر، اگرچه اطلاعات کمی درباره دیدگاه مذهبی ممدانی و خانواده‌اش وجود دارد اما برخی منابع نوشته‌اند: پدر ممدانی از جامعه خوجا اهل گجراتِ هند است که عمدتاً از مسلمانان شیعه دوازده امامی هستند. مادر او نیز از خانواده‌ای هندو در ایالت پنجاب هند است. منابع دیگری نیز ممدانی را فردی دارای عقاید شیعه معرفی کرده‌اند. ممدانی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در کالج بومن در ایالت «مین» آمریکا به پایان رسانده و از همان دوران دانشجویی به فعالیت‌های اجتماعی و عدالت‌خواهانه روی آورد. او در انتخابات سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰ میلادی) توانست با شکست نماینده وقت، به عنوان نماینده منطقه ۳۶ نیویورک (شامل آستوریا و بخش‌هایی از کوینز) وارد مجلس ایالتی شود.

آمدن ممدانی نتیجه شکاف‌های داخلی

براساس گزارش‌ها، بیش از ۲۶ میلیاردر و خانواده ثروتمند آمریکایی میلیاردها دلار برای حمایت از رقیب او، «اندرو کومو»، هزینه کرده بودند تا مانع پیروزی ممدانی شوند. اما ممدانی در این رقابت پیروز شد. برخی کارشناسان محبوبیت او را بازتابی از ناامیدی اعضای حزب دموکرات از رهبران خود می‌دانند. نظرسنجی مرکز تحقیقات «پیو» نشان می‌دهد، اکثر آمریکایی‌ها از هردو حزب ناامید هستند و حدود نیمی از آن‌ها می‌گویند که هر دو حزب آن‌ها را عصبانی می‌کنند به همین دلیل پیروزی ممدانی را می‌توان بازتاب ناامیدی طرفداران حزب دموکرات از جریان اصلی رهبری این حزب تلقی کرد. برخی نیز بر این باورند که از انتخاب ممدانی چندان هم نباید تعجب کرد چرا که نیویورک به طور سنتی متعلق به دموکرات‌هاست و طبیعتاً نامزد جمهوری‌خواه در این ایالت شانسی برای پیروزی نداشت. از سوی دیگر «اندرو کومو» نامزد مستقل رقیب ممدانی، پرونده‌های متعدد اقتصادی و اخلاقی داشت و طبیعتاً در این وضعیت هر شخصی با اندک میزان شرافت بیشتر می‌توانست در انتخابات پیروز شود. حمایت ممدانی از ملت مظلوم فلسطین و مخالفت با نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه نیز از دیگر دلایلی است که رسانه‌ها درباره پیروزی ممدانی ذکر کرده‌اند. نظرسنجی سی‌ان‌ان از صندوق‌های رأی حاکی است ۳۸درصد از ساکنان نیویورک گفته‌اند که مواضع نامزدها درباره اسرائیل «عامل مهمی» در رأی دادن آنها بوده است.

وعده‌های اقتصادی ممدانی

برخی هم دلیل پیروزی وی را کارزار پرشور و پیام‌های اجتماعی و اقتصادی او می‌دانند که مانع تأثیرگذاری هزینه‌های میلیاردی مخالفان شد. ممدانی توانست با وعده‌هایی چون کنترل اجاره بها، مسکن مقرون به صرفه، مقابله با مالکان متخلف، حمل‌ونقل سریع و رایگان، تقویت امنیت اجتماعی، مهد کودک رایگان، ایجاد فروشگاه‌های موادغذایی شهری، کاهش فاصله طبقاتی، مالیات بر ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ و حمایت از برنامه‌های رفاه اجتماعی، بخش‌های گسترده‌ای از نیویورکی‌ها را به خود جذب کند. محبوبیت او در میان جوانان، اقلیت‌ها و شهروندانی که خواهان تغییر در سیاست‌های شهری هستند، از عوامل کلیدی پیروزی وی بوده است. این پیروزی نه‌تنها بازتاب تغییرات جمعیتی و سیاسی در بزرگ‌ترین شهر آمریکا است، بلکه به عنوان نشانه‌ای از قدرت روزافزون جریان‌های سیاسی مترقی در عرصه‌های محلی و ملی آمریکا تعبیر می‌شود.

نشریه نزدیک به کنگره آمریکا نیز توجه به معیشت و نسل جوان، در کنار حضور در فضای مجازی را دلیل پیروزی نامزد دموکرات‌ها در انتخابات شهرداری نیویورک ارزیابی کرد. هیل در گزارش خود نوشته است: در این انتخابات بیش از ۲میلیون نفر رأی دادند و نتیجه نهائی شگفتی‌ساز بود؛ زیرا تنها چند ماه پیش، نظرسنجی‌ها نشان می‌داد ممدانی در حد تک‌رقمی از حمایت مردمی برخوردار است و کسی شانس جدی برای پیروزی او قائل نبود. هیل توجه به معیشت ساکنان نیویورک، ارائه پیام واحد و شفاف و بدون ابهام در حمایت از عدالت اقتصادی و گسترش خدمات عمومی، جذب آرای نسل جوان و استفاده از شعارهایی ضد ساختار قدرت سنتی برای جذب این طبقه، حضور گسترده در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از انرژی جریان چپ در حزب دموکرات را پنج دلیل دانسته است که به پیروزی ممدانی منجر شده است.

فلسطین، ایران و رژیم صهیونیستی

ممدانی همچنین از حامیان سرسخت حقوق فلسطینیان و منتقدان جدی رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود. شهردار مسلمان نیویورک پیش از رسیدن به جایگاه شهرداری در مصاحبه‌ای وعده داده بود که در صورت پیروزی در انتخابات و اگر «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم اسرائیل وارد نیویورک شود، او را بازداشت خواهد کرد. خشم و عصبانیت رسانه‌های صهیونیست از پیروزی ممدانی هم نشان می‌دهد که اتفاقی که روز سه‌شنبه در نیویورک رقم خورده است، چندان در راستای منافع رژیم صهیونیستی نیست. روزنامه عبری‌زبان یدیعوت آحارانوت گزارش داده است، پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک یک اتفاق زودگذر نیست بلکه بیانگر قدرت گرفتن جریانی است که درخصوص مشروعیت رژیم صهیونیستی شک و تردید دارد. این روزنامه عبری‌زبان اعتراف کرد: پیروزی وی به‌مثابه زنگ خطری برای اسرائیل است. این پیروزی بدان معنی است که آمریکایی‌ها دیگر درخصوص اسرائیل اجماع‌نظر ندارند. ایتمار بن‌گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی هم اعلام کرد: «انتخاب زهران ممدانی به عنوان شهردار شهر نیویورک برای همیشه یک لکه ننگ ابدی از چگونگی غلبه یهودستیزی بر عقل سلیم باقی خواهد ماند.» این وزیر تندروی صهیونیست گفت: «ممدانی حامی حماس، دشمن اسرائیل و آشکارا، یهودستیز است.». به گزارش ایرنا به نقل از شبکه خبری «هفت» تلویزیون رژیم صهیونیستی، «یاکی دایان»، کنسول سابق رژیم صهیونیستی در لس‌آنجلس هم در واکنش به پیروزی ممدانی گفت: انتظار می‌رود انتخاب ممدانی بر زندگی روزمره یهودیان نیویورک تأثیر بگذارد؛ اما این انتخاب نشان‌دهنده روند نگران‌کننده‌تر بزرگ‌تری برای اسرائیل در آینده خواهد بود. دایان گفت: معنی این اتفاق برای یهودیان نیویورک این است که اکنون یک نامزد مسلمان ضد اسرائیلی، ضد صهیونیستی و حتی می‌توان گفت ضد یهودی، رهبری بزرگ‌ترین شهر یهودی جهان را برعهده خواهد گرفت. این مسئله برای یهودیانی که خواهان همکاری با اسرائیل و حمایت از اسرائیلی‌ها هستند، نگران‌کننده است.

روزنامه آمریکایی نیویورک‌پست هم درباره مواضع ممدانی درباره ایران نوشته است: وی به‌شدت از حملات هوائی ایالات‌متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران انتقاد کرده است. او آن اقدام را «اقدام نظامی غیرقانونی و آغازگر فصل تازه‌ای از بی‌ثباتی بین‌المللی» خوانده است. در نگاه او، سیاست آمریکا در مورد ایران، از جمله استفاده از زور بدون مشورت کنگره نمونه‌ای از «پیمان‌شکنی» و اولویت دادن به هزینه‌های نظامی به جای عدالت اجتماعی است.

گورهای بزرگ در سودان، برای پنهان کردن هزاران جسد!

سرویس خارجی-

آن‌طور که کارشناسان می‌گویند «نیروهای واکنش سریع» در حال حفر گورهای‌جمعی در الفاشر سودان با هدف «پاکسازی آثار قتل‌عام» هستند!

سودان از زمان استقلال خود از استعمار، در سال ۱۹۵۶، همواره درگیر جنگ داخلی بوده است و تنها مقاطعی از آرامشِ بین دو جنگ را تجربه کرده است. اما این جنگ اخیر که حدود ۳ سالی است، در پی سرنگونی «عمر البشیر»، شعله گرفته، بدل به یکی از وحشتناک‌ترین جنگ‌های داخلی تاریخ معاصر شده است، نه فقط در سودان که در کل جهان. یکی از اضلاع این مثلث وحشت بی‌شک دخالت بازیگران خارجی است که هم فاجعه را عمیق کرده و هم پایان یافتن جنگ را تقریباً ناممکن کرده است، حداقل تا اطلاع ثانوی! این وسط نام امارات بیش از همه بازیگران خارجی به گوش می‌خورد و تقریباً روزی نیست که رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های عرب‌زبان، از نقش سوء امارات ننویسند. امارات که سودای طلای سودان و زمین‌های حاصلخیز منطقه ساحلی این کشور را در سر دارد، برای استعمار این کشور بحران‌زده حمایت سیاسی و نظامی طرف وحشی ماجرا ایستاده است.

خون را ماست‌مالی می‌کنند!

آنچه گروه‌های جنایتکار سودان می‌کنند، بی‌شک «ماست‌مالی کردن» جنایات است؛ این اصطلاح عامیانه شاید شایسته به نظر نرسد، اما واقعیت آن چیزی است که در سودان رقم می‌خورد! «الجزیره» در گزارشی نوشت که یک محقق در دانشگاه «ییل» آمریکا می‌گوید که نیروهای شبه‌نظامی «واکنش سریع» (RSF) در حال حفر گورهای دسته‌جمعی در الفاشر، شهری در منطقه دارفور غربی سودان، هستند که از زمان تصرف در ماه گذشته شاهد کشتارهای جمعی و آوارگی بوده است. «ناتانیل ریموند»، مدیر اجرائی آزمایشگاه تحقیقات بشردوستانه در دانشکده بهداشت عمومی ییل، به الجزیره گفت: «نیروهای واکنش سریع شروع به حفر گورهای دسته‌جمعی و جمع‌آوری اجساد در سراسر شهر کرده است... آنها در حال پاکسازی قتل‌عام هستند.» گزارشی دیگر از آزمایشگاه تحقیقات بشردوستانه دانشگاه ییل در ۲۸ اکتبر (۶ آبان) نیز شواهدی از «کشتارهای دسته‌جمعی» از زمان تصرف الفاشر توسط نیروهای واکنش سریع، از جمله گودال‌های آشکار از جسد و خون که در تصاویر ماهواره‌ای قابل مشاهده بودند، به دست می‌دهد.

بسیج عمومی برای مقابله با واکنش سریع

به گزارش «مهر» به نقل از شبکه «روسیاالیوم»، شورای امنیت و دفاع سودان اعلام کرد که در نشست اخیر خود ابتکارات ارائه‌شده از سوی چند کشور برای حل بحران سودان را بررسی کرده و از «هر تلاشی که به پایان دادن به رنج مردم سودان کمک کند»؛ استقبال می‌کند. شورای امنیت و دفاع سودان همچنین در بیانیه‌ای جداگانه، خواستار بسیج عمومی برای حمایت از نیروهای مسلح در برابر نیروهای موسوم به «واکنش سریع» شد. در همین حال، کاخ‌سفید نیز در بیانیه‌ای مدعی شد: «در حال همکاری با برخی کشورهای عربی برای رسیدگی به بحران سودان هستیم.» از طرف دیگر، «حسن کبرون»، وزیر دفاع سودان، نیز در سخنرانی تلویزیونی گفت: «با وجود پیشنهادهای مطرح‌شده از سوی آمریکا برای آتش‌بس، ما به دعوت خود از مردم برای کمک به ارتش در مقابله با شبه‌نظامیان واکنش سریع ادامه می‌دهیم؛ ارتش نیز به جنگ برای مقابله با آنها ادامه خواهد داد.» همچنین برخی منابع تأکید کردند که شورای امنیتی و دفاعی سودان حاضر به امضای توافق آتش‌بس موقت با شبه‌نظامیان واکنش سریع نیستند مگر این‌که آنها از شهرهایی که تصرف کرده‌اند، خارج شوند و نیروهای خود را در پایگاه‌های مشخصی جمع کنند.

وضعیت سودان در حال حاضر یکی از فاجعه‌بارترین بحران‌های جهان است، جایی که جنگ داخلی بین ارتش سودان (SAF) و نیروهای واکنش سریع (RSF) بیش از دو سال است که جان صدها هزار نفر را گرفته و میلیون‌ها نفر را آواره کرده است. این جنگ نه‌تنها یک فاجعه داخلی، بلکه نتیجه تقابل منافع ژئوپلیتیک است که بدون فشار بین‌المللی (مانند تحریم‌های واقعی علیه حامیان RSF) پایان نمی‌یابد. سازمان‌هایی مانند عفو بین‌الملل و سازمان ملل خواستار تحقیقات فوری و محاکمه جنایتکاران شده‌اند؛ اما چه سود که منافع حرف اول را می‌زند و این درخواست‌ها در سطح همان درخواست خواهند ماند! وقتی یک جنگ داخلی دچار دخالت‌های خارجی می‌شود، رسیدن به صلح دشوارتر می‌گردد، زیرا منافع و اهداف قدرت‌های بیرونی معمولاً با منافع طرف‌های داخلی هم‌سو نیست. در چنین شرایطی، بازیگران خارجی با حمایت مالی، تسلیحاتی یا سیاسی از گروه‌های مختلف، تعادل قوا را برهم می‌زنند و هر طرف را به ادامه جنگ ترغیب می‌کنند تا امتیاز بیشتری بگیرد. این مداخله‌ها نه‌تنها اعتماد میان طرف‌های داخلی را، بیش از پیش، از بین می‌برد، بلکه باعث می‌شود تصمیم‌گیری درباره آینده کشور به میدان رقابت دولت‌های خارجی تبدیل شود. در نتیجه، روند مذاکره و آشتی ملی پیچیده‌تر شده و احتمال برقراری صلح پایدار به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد.

نمونه جنگ‌های داخلی که گرفتار دخالت‌های خارجی شده‌اند، فراوان است. برای مثال یک نمونه قدیمی‌تر را بررسی کنیم: جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹). این جنگ در آغاز میان جمهوری‌خواهان و ناسیونالیست‌های اسپانیایی بود، اما با مداخله قدرت‌های خارجی، بسیار پیچیده‌تر شد. این دخالت‌ها باعث شد جنگ طولانی‌تر و خونین‌تر شود و امکان مصالحه سیاسی، برای مدتی طولانی، از بین برود، چون هر طرف احساس می‌کرد با کمک خارجی می‌تواند پیروز شود. در نتیجه، صلح داخلی به تأخیر افتاد و کشور پس از پایان جنگ نیز دهه‌ها گرفتار شکاف و سرکوب باقی ماند.

گزارش افشاگرانه «نیویورک تایمز» از طرح آمریکا برای قتل «مادورو» با حمله نظامی

روزنامه نیویورک‌تایمز به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد که دولت ترامپ در حال بررسی انجام عملیات نظامی مستقیم علیه شخص رئیس‌جمهور ونزوئلا است!

دولت ترامپ عزم خود را جزم کرده است که به هر طریق ممکن دولت چپگرای نیکلاس مادورو را سرنگون و بر منابع عظیم نفتی این کشور مسلط شود، استقرار ۱۰درصد از توان نظامی آمریکا در نزدیکی مرزهای ونزوئلا، تلاش برای ربودن مادورو، حملات به قایق‌ها و کشتی‌ها ونزوئلا، مجوز به سیا برای انجام عملیات خرابکارانه در خاک ونزوئلا و تعیین جایزه برای دستگیری مادورو تنها بخشی از کارزار گسترده‌ای است که دولت ترامپ علیه ونزوئلا به راه انداخته است. در جدیدترین مورد نیز روزنامه نیویورک‌تایمز نوشته است دولت آمریکا در حال طرح‌ریزی برای ترور شخص مادورو است. به گزارش ایسنا، نیویورک‌تایمز به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد که دولت ترامپ ممکن است «نیکولاس مادورو»، رئیس‌جمهور ونزوئلا را به‌عنوان عضوی از یک سازمان تروریستی بشناسد تا او را هدفی مشروع قرار دهد. نیویورک‌تایمز اشاره کرد که «مارکو روبیو»، وزیر خارجه آمریکا از گزینه‌های تهاجمی‌تر علیه ونزوئلا حمایت می‌کند. این روزنامه به نقل از مقامات آمریکایی نوشت که روبیو در گفت‌وگوهای خصوصی خواستار مجبور کردن رئیس‌جمهور ونزوئلا به کناره‌گیری شده است. نیویورک‌تایمز به نقل از این مقامات گزارش داد که ترامپ نسبت به هر عملیات علیه مادورو به‌خاطر نگرانی از احتمال شکست آن ابراز تردید کرده است. منابع مذکور اشاره کردند که گزینه‌ها درباره ونزوئلا شامل حملات هوائی به تأسیسات نظامی برای تضعیف حمایت نظامی از مادورو و ارسال نیروهای ویژه برای تلاش در اسیر کردن یا کشتن مادورو است. نیویورک‌تایمز به نقل از این منابع نوشت که از جمله گزینه‌ها ارسال نیروی مقابله با تروریسم برای کنترل فرودگاه‌ها و میدان‌های نفتی است.

تصویب طرح مقاومت مسلحانه

اما در میانه افزایش تهدیدات علیه ونزوئلا مادورو از تصویب طرح آماده‌سازی ونزوئلایی‌ها برای مقاومت مسلحانه خبر داد. رئیس‌جمهور ونزوئلا در سخنرانی در کنگره حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا، تصریح داشت: «این طرح پیشنهادی تصویب شده است و حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا باید فوراً با تهیه برنامه‌های عملیاتی مختص به هر خیابان و هر محله اجرای آن را شروع کرده تا مردم کشور ما هم با حفظ آرامش و خویشتنداری و هم با عزم و شجاعت خود بالاترین سطح آمادگی را حفظ کنند». به گزارش ایسنا، مادورو در ادامه این سخنرانی که در بحبوحه حضور نیروهای دریایی آمریکا در دریای کارائیب به بهانه مبارزه با قاچاق موادمخدر ایراد کرد، تصریح داشت: در سندی که دریافت کرده «مجموعه‌ای از ایده‌ها برای گذار از مبارزه غیرمسلحانه به مبارزه مسلحانه در راستای حفاظت از تمامیت ارضی، عزت و حق صلح و آینده کشور» تشریح شده‌اند. وی گفت که این طرح شامل آماده‌سازی مردم تحت چارچوب اساسی دفاع ملی همگانی برای یک مبارزه مسلحانه ملی و قاره‌ای بالقوه در صورت حمله آمریکا است.

حمله مرگبار به یک قایق دیگر

خبر دیگر اینکه وزیر جنگ آمریکا از حمله مرگبار دیگری از سوی آمریکا به یک قایق مظنون به حمل موادمخدر در اقیانوس آرام خبر داد. پیت هگست، در این‌باره گفت: حمله روز سه‌شنبه منجر به کشته‌شدن دو نفر از سرنشینان این کشتی شد و تعداد کشته‌شدگان از عملیات دولت ترامپ در آب‌های آمریکای‌جنوبی را به حداقل ۶۶ نفر در حداقل ۱۶ حمله رساند.

نگاه

نقش امارات در نسل‌کُشی سودان و غزه

مترجم: سید محمد امین آبادی

در غروب الفاشر، کودکی در حالی‌که عروسکی دوده‌گرفته را در آغوش دارد، کنار تلی از خاکستر ایستاده است؛ جایی که زمانی خانه‌اش بود. مادران در راهروهای آخرین بیمارستانِ فعال منطقه پناه گرفته‌اند، بیمناک از آن‌که حملهٔ پهپادی بعدی، زخمی‌هایی را که از آن‌ها پرستاری می‌کنند، به کام مرگ بکشاند. پدران با دست‌های خود قبر می‌کنند، و کودکانشان را در حیاط مدارس ویران‌شده به خاک می‌سپارند. بعد از ۱۸ ماه محاصره و اتمام غذا و آب سرانجام شهر سقوط کرد اما با سقوط شهر آزادی وارد آن نشد بلکه نیستی و نابودی بود که وارد شهر الفاشر شد. شاهدان می‌گویند مردان را از خانه‌هایشان بیرون کشیدند، زنان و کودکان را در خیابان‌ها اعدام کردند، و بیمارستان‌ها را در حالی گلوله‌باران کردند که غیرنظامیان هراسان در آن پناه گرفته بودند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر صحنه‌هایی از کشتارجمعی، سوزاندن و غارت را مستند کرده است. سازمان ملل متحد این حمله را «کارزار نابودی» توصیف کرده است. در پس نیرویی که این جنایت را مرتکب شد، یک حامی قرار دارد که اثر انگشتش در هر جبهه از جنگ سودان دیده می‌شود: امارات متحده عربی. اگر نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) جلادان آشکار این فاجعه‌اند، دستی که آن‌ها را هدایت می‌کند از ابوظبی می‌آید. امارات پول، سلاح و پوشش سیاسی را برای ماشین جنگی «حمیدتی» سرازیر کرده است؛ ماشینی که آتشی برافروخته که سودان را از هم دریده است. جریان ارسال سلاح به فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) همچنان از طریق مرزهای نفوذپذیر چاد و لیبی ادامه دارد و پروازهایی از پایگاه‌های امارات در «سومالی‌لند» نیز این روند را پشتیبانی می‌کند. حتی تجهیزات نظامی ساخت بریتانیا نیز به دست نیروهای حمیدتی رسیده است؛ واقعیتی که همدستی خاموش غرب در جنایاتی را برملا می‌کند که در ظاهر آن‌ها را محکوم می‌کند.

ریشه‌های نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) در تاریک‌ترین گوشه‌های تاریخ معاصر سودان نهفته است. این نیرو در دوران «عمر البشیر»، رئیس‌جمهور پیشین، به‌عنوان شاخه‌ای شبه‌نظامی از دستگاه اطلاعات و امنیت ملی شکل گرفت و بعدها در چارچوب ارتش ادغام شد، بی‌آن‌که استقلال خود را از دست بدهد. رهبر آن، «حمیدتی»، از یک شتربان ساده به جنگ‌سالاری قدرتمند بدل شد. وی از مجری سیاست‌های سرکوبگر بشیر در دارفور تا معاون رئیس شورای حاکمیت انتقالی سودان ارتقا پیدا کرد. در سال ۲۰۱۹، نیروهای واکنش سریع در سرنگونی «بشیر» نقش ایفا کرد و به دولت انتقالی پیوست، در حالی که به‌طور پنهانی استقلال و حامیان خارجی خود را حفظ کرده بود. این همزیستی شکننده با ارتش درآوریل ۲۰۲۳(فروردین ۱۴۰۲) پس از شکست مذاکرات اصلاحات امنیتی، فروپاشید. از زمان خیزش مردمی سال ۲۰۱۸ که بشیر را سرنگون کرد، ابوظبی برای ناکام‌گذاشتن انقلاب سودان و منحرف کردن آن از مسیرش دخالت کرده است. امارات، حمیدتی را مسلح و تأمین مالی کرد و کوشید از وی به کمک دلارهای نفتی برای تکه تکه کردن سودان و تعمیق شکاف‌های این کشور استفاده کند. تحقیقات وب سایت «میدل ایست آی» نشان می‌دهد که امارات این حمایت مالی و تسلیحاتی را از طریق شبکه‌ای مخفی از پروازهای هوایی، انتقال سلاح و اعزام مزدوران انجام می‌دهد. در بندر بوساسو در سومالی، هواپیماهای باری اماراتی با برچسب «خطرناک» شبانه فرود می‌آیند و پرواز می‌کنند.

اما سودان تنها تازه‌ترین صحنه از کارزار طولانی امارات علیه انقلاب‌های مردمی در جهان عرب است. بی‌رحمی نیروهای واکنش سریع نخستین‌بار به یمن صادر شد؛ جایی که ده‌ها هزار جنگجوی سودانی زیر فرماندهی امارات برای جنگی که هدفش سلطه‌جویی ابوظبی بود به کار گرفته شدند. در آنجا، همان نیروهایی که روزگاری دارفور را به خاک و خون کشیده بودند، به ابزار جاه‌طلبی امارات بدل شدند. از زمان خیزش‌های موسوم به بهار عربی، امارات تحت رهبری «محمد بن زاید»، کارزاری ضدانقلابی را در سراسر جهان عرب به راه انداخته است. این کشور با تأمین مالی کودتاها، تسلیح شبه‌نظامیان و دامن‌زدن به جنگ‌های نیابتی، تلاش کرده است روند تغییرات دموکراتیک را متوقف و نظم اقتدارگرایانه منطقه را حفظ کند. سیاست خارجی امارات به برنامه‌ای از خرابکاری پیشدستانه تبدیل شده است تا هیچ انقلابی به پیروزی نرسد، هیچ دموکراسی‌ای دوام نیاورد، و هیچ جنبش آزادی‌خواهی‌ای ریشه نگیرد که بتواند نظام‌های سلطنتی خلیج‌فارس را به چالش بکشد و در لیبی، پا را از این هم فراتر گذاشت.گزارش سازمان ملل بارها نقض تحریم تسلیحاتی لیبی از سوی امارات را مستند کرده است. در لیبی امارات با ارسال پنهانی بالگردهای تهاجمی، پهپادها و سامانه‌های موشکی برای «ارتش ملی لیبی» به رهبری «خلیفه حفتر» موجب تشدید جنگ شده است. روزنامه «وال استریت ژورنال» نیز به‌تفصیل نشان داده است که چگونه شبکه‌های تسلیحاتی امارات، شبه‌نظامی سودانی متهم به نسل‌کشی را تقویت کرده‌اند.

در همین حال، داستانی موازی در غزه در جریان است؛ داستانی که ظاهری «انسان‌دوستانه» را با مهندسی زندان‌گونه درهم می‌آمیزد. شواهد حاکی از آن است که امارات در طرح اسرائیل برای ویران کردن شرق رفح و ساخت یک شهر به اصطلاح انسان‌دوستانه به منظور گردآوردن ۶۰۰ هزار فلسطینی دخیل است؛ شهری که با هر معیار صادقانه‌ای می‌توان آن را یک «اردوگاه متمرکز» نامید. برای پشتیبانی از این زندان بی‌دیوار، امارات ۶ کارخانه آب‌شیرین‌کن در شهر العریش مصر ساخته است؛ با ظرفیتی که گفته می‌شود آب مورد نیاز بیش از ۶۰۰ هزار نفر را تأمین می‌کند. رسانه‌های وابسته به دولت امارات این پروژه را به‌عنوان اقدامی خیریه تبلیغ می‌کنند. اما در بستر واقعی، این اقدام بیشتر به زیرساختی برای مهار جمعی شباهت دارد. امارات همچنین در جریان نسل کشی مردم فلسطین در غزه تنها ناظر این کشتار نبود؛ بلکه به تداوم حیات شریان‌های اقتصادی و لجستیکی اسرائیل در بحبوحهٔ نسل‌کشی کمک کرد.

با توجه به ناامن شدن دریای سرخ، اسرائیل مسیرهای زمینی حمل‌ونقل از هند تا فلسطین اشغالی را از طریق امارات جایگزین کرد تا از حملات حوثی‌های یمن بگریزد. گزارش‌ها و پیگیری‌ها نشان می‌دهند که مسیرهای کامیون‌رو از بنادر خلیج‌فارس تا حیفا برقرار بوده‌اند. در فروداگه بن‌گوریون، در حالی که بیشتر شرکت‌های هواپیمایی پروازهای خود را تعلیق کرده بودند، خطوط هوائی اماراتی همچنان به پرواز ادامه دادند و در عمل به شریان حیاتی سفر اسرائیلی‌ها در طول جنگ بدل شدند. این شراکت صرفاً ماهیتی لجستیکی ندارد؛ ایدئولوژیک و تجاری نیز هست. شبکه‌های آنلاین اسرائیلی و اماراتی به‌طور هماهنگ عمل کرده‌اند تا روایت‌های مربوط به سودان و غزه را شکل دهند و در حالی‌که کشتار نیروهای پشتیبانی سریع (RSF) در الفاشر شدت می‌گرفت، ارتش سودان را هدف حملات تبلیغاتی خود قرار داده‌اند. در حوزه صنعت دفاعی نیز شرکت‌ها در حال گسترش فعالیت خود در داخل امارات هستند و جریان دوسویه پول، فناوری و اطلاعات امنیتی را بیش از پیش تقویت می‌کنند. شرکت نظامی اسرائیلی «کونتروپ» با افتتاح یک شعبه در امارات، به تازه‌ترین نماد این همگرایی امنیتیِ روبه‌گسترش تبدیل شده است.

در همین حال، حاکمان امارات از «الگوی توسعهٔ» خود به‌عنوان «نمونه‌ای درخشان برای منطقه» یاد می‌کنند. اما این یک الگوی اقتدارگرا، سیاست‌گریز و غرق در مصرف‌گرایی و نمایش است. این الگو ظاهری از پیشرفت است که بر بستری از سرکوب بنا شده؛ سرابی از مدرنیته که استبداد را پنهان می‌کند.